

ادامه از صفحه اول

## مخاطرات تجارت‌زدگی و دلال‌زدگی دارو

در بستر قانونی انتظار می‌رود سازمان غذا و دارو نیاز را درست تشخیص دهد، به طور شفاف و اثربخش نیاز برآوردشده به فعالان تولید و واردات برای تأمین قانونی داروها اعلام و شرکت‌های برخوردار از مجوز داروها را متناسب با نیاز جامعه تأمین و ضمن تضمین سلامت و کیفیت داروهایی که تأمین کرده‌اند، در رساندن داروها به دست آحاد جامعه در کشور پهنآور ایران حفظ سلامت دارو، حفظ کیفیت و تأمین در زمان و مکان مناسب را تضمین کنند. این عذبی است که بین سازمان غذا و دارو و شرکت‌های تأمین‌کننده منعقد شده و انتظار می‌رود هرکدام وظایف قانونی و حرفه‌ای خود را به‌موقع انجام دهند. چنانچه سازمان غذا و دارو در تعیین فهرست داروی مورد نیاز خطا یا اهمال کند، در تخمین مقدار مورد نیاز خطایی صورت گیرد، در زمان یا مکان مورد نیاز خطایی صورت گیرد و… به عبارتی در ابتدای زنجیره تأمین شوک وارد شود، دامنه انتقال این شوک به ایستگاه‌های بعدی (شرکت‌ها، داروخانه‌ها، مراکز پزشکی، پزشکان و مردم) بزرگتر و شدیدتر خواهد بود. در مورد زنجیره تأمین به این رخداد اثر شلاق چرمی می‌گویند. امروز در زنجیره تأمین دارو در ایران شاهد ده‌ها اثر شلاق چرمی هستیم. پیامد این شلاق‌های چرمی ناکارآمدی، در شوک فروتنی سازمان غذا و دارو، ناکارآمدی شرکت‌های قانونی که باید برای هر فعالیتی مسی‌راه قانونی را طی کنند و… است. در شرایطی که سیاست‌گذار در محیط سیاست‌گذاری غلط ادامه مسیر می‌دهد، تولیدکننده و واردکننده در بستر ناکارآمدی و نبودن زبان مشترک در تلاش بی‌حاصل به سر می‌برند، بهترین عرصه برای دلالان و سودجویان فراهم است. از این رو است که می‌بینیم سوداگری و دلالی در زنجیره تأمین دارو رونق گرفته و جان انسان‌ها ابزار سودجویی و تجارت شده است. دلال‌زدگی حاکم شده و چنانچه بر اسب سوداگری و سودجویی سوار شود، نتایجی این‌گونه به دنبال خواهد داشت:

– القای تقاضاهای غیرضرور برای کالاهای غیرضرور و ناسالم
– بی‌انضباطی و تجویزهای خارج از دستورالعمل‌ها و پروتکل‌های علمی
– توسعه و ترویج ماینبرای فراقانونی در مراحل زنجیره تأمین دارو
– توسعه و ترویج مداخلات خارج از دستورالعمل‌های علمی و در نتیجه آسیب‌رسان به سلامت جامعه
– تأمین کالاهای فاقد استاندارد که نه‌تنها اثر ندارند؛ بلکه سلامت مصرف‌کنندگان و حتی جامعه را تهدید می‌کنند
– بهبودنیافتن بیماران بلکه اضافه‌شدن بیماری‌های دیگر به بیماری آنها
– یه مخاطره اقتادان فعالیت قانونی شرکت‌ها و مؤسساتی که به طور قانونی فعالیت می‌کنند، به عبارتی غالب‌شدن تجارت سیاه در تجارت قانونی
– در هفتن منابع ملی و توسعه فقر ناشی از دریافت خدمات ناکارآمد در حوزه سلامت
– آسیب به اعتماد مردم نسبت به نظام سلامت و سردرگمی ایشان
– آسیب به اعتماد سایر کشورها نسبت به نظام سلامت و داروی ایرانی که در نتیجه بر بازار صادراتی محصولات ایران تأثیر منفی و مخرب خواهد داشت
– آسیب به اعتمادبه‌نفس کارشناسان و برنامه‌ریزان سازمان‌های نظارتی مسئول
– بدینش تجارت‌زدگی و سوداگری در بازار نظام سلامت و نهادینه‌شدن این نقص در نظام سلامت.
در شرایط حاضر که با استقرار دولت جدید مواجه هستیم، انتظار می‌رود سلامت و کارایی زنجیره تأمین و مصرف دارو به‌عنوان یکی از مهم‌ترین نیازهای جامعه مورد توجه بیشتر قرار گیرد.

✦ **رئیس مرکز تحقیقات اقتصاد و مدیریت دارو، دانشگاه علوم پزشکی تهران**

## لزوم تناسب بین قرار و جرم انتسابی

این موضوع از وقتی حساسیت بیشتری پیدا می‌کند که به یاد بیاوریم در مقابل قراهای قضائی سنگین برای برخی چهره‌ها و افراد منتقد، برپای برخی از اشخاصی که دارای نگرش سیاسی متفاوت و یا روابط خاصی بودند، چه شرایط سهل و مطلوبی جهت سپری‌کردن دوره محکومیت زندان یا آزادی کامل در دوران بررسی پرونده فراهم شده است. مشکل کار اینجاست که متأسفانه نه‌فقط در قانون امکان روشنی برای سنجش متناسب بین قرارهای قضائی و قضائی و جرائم در نظر گرفته نشده بلکه در آن سو نیز نه‌فقط برخی مقامات صادرکننده چنین قرارهایی بازخواست نشده‌اند بلکه در مواردی صدور همین دست قرارها باعث شهرت آنها شده است. به این مسائل باید البته اشکال دیگری را هم اضافه کرد و آن‌هم عدم آزادی برخی وثیقه‌ها در مدت‌زمان قانونی از بازداشت دستگاه قضائی است. مواردی سراغ داریم که برای متهمان یا مجرمانی قرار وثیقه صادر شده اما بعد از طی زمان قانونی، وثیقه سپرده‌شده آزاد نشده است. به هر تقدیر در این مورد رئیس دستگاه قضائی به اشکال درستی اشاره کرده که صلاح آن می‌تواند بخش زیادی از نارضایتی مردم از دستگاه قضائی را کاهش دهد. اما لازمه این اصلاح آن است که فراتر از توصیه‌های معمول به مقامات قضائی مربوط در این زمینه، از یک‌سو سازوکار معینی برای نظارت بر این مسئله و حتی طرح شکایت بابت آن از طرف مردم پیش‌بینی شود و از سوی دیگر کام‌هایی عملی برای اصلاح قوانین در این حوزه برداشته شود.

## دیپلماسی

**گفت‌وگو با نصرت‌الله تاجیک سفیر سابق ایران در اردن و تحلیلگر ارشد منطقه**

# سیاست خارجی نیاز به بازنگری دارد

**اکنون ما هم هزینه می‌دهیم هم آسیب می‌بینیم**



هست؛ ولی این ماییم که باید منهای رویکردمان به رژیم صهیونیستی، امنیت شبکه داده‌ها را فراهم کنیم که یکی از مهم‌ترین نکات است. من کارشناس این حوزه نیستم؛ ولی می‌شنوم از کارشناسان امنیت شبکه که معضلات ما زیاد است و باید در این زمینه سرمایه‌گذاری مناسبی کنیم که آسیب‌پذیری‌هایمان را کم کنیم. چه بسا ممکن است در مورد دیگر هم همین اتفاق بیفتد؛ پس بیشتر باید به سمت اقدامات نرم‌افزاری و ایمن‌کردن شبکه داده‌های ایران به هر نحوی که هست باشیم تا از این آسیب‌پذیری‌ها کم کنیم. این نه اولین اقدام رژیم صهیونیستی است، نه آخرینش. به هر صورت، این رژیم به دلایلی که گفتم و ما در رویکرد خودمان تعریف کردیم، ایران را دشمن شماره یک خودش می‌داند و ما هم با همین رویکرد متأسفانه به جای اینکه استراتژی‌های حمایت از فلسطین باشیم، آن را تبدیل به استراتژی دشمنی با اسرائیل در حد نابودی این رژیم کرده‌ایم. به عقیده من چنانچه چنین رویکردی اصلاح شود، شاید این خلط محبت هم از بین برود. خیلی از کشورهای الان هستند که از فلسطینی‌ها حمایت می‌کنند، اقدامات رژیم صهیونیستی را تقبیح می‌کنند و مخالف هستند؛ اما برخلاف ما درعین‌حال وجود اسرائیل را در حوزه امنیت ملی خودشان تعریف نمی‌کنند. درحالی‌که برای ما چنین اتفاقی افتاده و باید مقداری بیشتر کار مطالعاتی و نظریه‌پردازی شود تا بتوانیم این قسمت را مقداری بهتر تعریف کنیم. به طور مثال مسبب اصلی هولوکاست به هر نحو و قرائتی که باشد غربی‌ها و مخصوصاً آلمان‌ها هستند و آنها باید مابازای آن را به یهودیان پرداخته و شرمند باشند! وین در حالی است که رئیس دولت یک کشور بزرگ به نام ایران که سابقه تاریخی در نجات یهودیان دارد

و یک جامعه یهودی ایرانی در داخل کشورش دارد با تکذیب چنین واقعه‌ای با بازی در زمین غرب هم برای کشور و نظام هزینه‌زایی می‌کند و هم بی‌مورد و بدون اقدام عملی و مؤثر بر طبل دشمنی می‌کوبد. این یعنی ما داریم با یک حرف غیردقیق هزینه دشمنی با رژیم صهیونیستی را به نیابت از غربی‌ها و از جیب ملت ایران پرداخت می‌کنیم. من کاری با کم و کیف هولوکاست ندارم و تاریخ‌شناسان باید نظر بدهند؛ اما اولاً از نظر آیینی هولوکاست برای یهودیان مقدس است و ثانیاً ما باید به گونه‌ای عمل کنیم که اگر قرار به هزینه‌دادن باشیم، این غربی‌ها و آلمان باشند که باید مابازا پرداخت کنند و نه مسلمانان یا فلسطینی‌ها یا ایرانی‌ها!

✦ **اسرائیل از اواخر دوران ریاست‌جمهوری دونالد ترامپ در آمریکا روند عادی‌سازی و بهبود روابط با کشورهای عربی جنوب ایران را در پیش گرفته است.** این برای ایران چه

**معنایی دارد؟ ایران چه اقدامی می‌تواند یا باید بکند که از تبعات منفی احتمالی این روند پیشگیری کند یا با آنها مقابله کند؟**
کاری که ترامپ کرد، بیشتر برای استفاده از اوضاع دنیای عرب و اسلام بود برای انتخاباتش تا برگ برنده‌ای داشته باشد. دموکرات‌ها در دوره اوباما از حل چالش بین فلسطینی‌ها و رژیم صهیونیستی عبور کرده و به دنبال مدیریت بحران بودند. محافظه‌کاران در دوره ترامپ به دلیل نزدیکی با محافل صهیونیستی و مخصوصاً نقش داماد یهودی‌اش کوشنر از مدیریت این چالش هم عبور کردند و به دنبال محکم‌کردن پایه‌های حضور صهیونیست‌ها در منطقه شدند. سه‌سال و خرده‌ای طول کشید که دائم صحبت از معامله قرن شد، تا اینکه در اواخر دوره ترامپ و نزدیک انتخابات سلسله اقداماتی شد و چند کشور شروع کردند با گرفتن امتیازاتی از آمریکا در مسیر عادی‌سازی روابط با این رژیم قرار گیرند. آنهايي که از قبل با اسرائیل روابط داشتند و قطع کرده بودند از سر بگیرند و آنهايي هم که نداشتند، ازجمله چند کشور در حاشیه جنوبی خلیج فارس مثل امارات متحده عربي و بحرین با مراکش و سودان روابط را برقرار کنند. بحث عادی‌سازی با هر عربي تطبیع، از دهه ۹۰ شکل گرفت؛ ولی خیلی توفیق نداشت، مخصوصاً به دلیل اقدامات و روش و رویکرد و سیاست‌های رژیم صهیونیستی مردم چندان استقبال نکردند؛ یعنی حتی کشورهایی مثل مصر و اردن هم که پیش‌از عادی‌سازی با رژیم صهیونیستی بودند، خیلی دستاورد قوی‌ای نداشتند. علاوه بر اعراب مردم جهان اسلام هم به دلیل همین اقداماتی که صهیونیست‌ها علیه فلسطینی‌ها انجام می‌دهند، خیلی به این قضیه نگاه مثبتی ندارند. ما هم نباید به گونه‌ای عمل کنیم که ورود اسرائیلی‌ها به این کشورها یا عادی‌سازی روابط بین اسرائیل و اعراب را در حوزه امنیت ملی خودمان تعریف کنیم و حتی بدتر، رابطه‌مان با همسایه‌هایمان را خراب کنیم، چه در جنوب، مثل شروع روابط در سال گذشته با امارات و بحرین و سلسله اقداماتی که بعداً صورت گرفت و چه در اتفاقات اخیر که در ارتباط با قریب‌ای بین جمهوری آذربایجان و ارمنستان شکل گرفت. یک زمان همسایه‌ای منافع ملی ما را هدف می‌گیرد که باید حساس بود و اقدام مناسب صورت داد؛ ولی نه به خاطر آنکه با کشور

دیگر یا حتی با یک رژیم غاصب رابطه برقرار کرده، ما روابطمان را با آن همسایه متشنج کنیم؛ در آن صورت ما بعداً ناچار می‌شویم بدون دلیل به آن همسایه امتیاز بدهیم.

ما در حقیقت نباید خودمان را در دام صهیونیست‌ها گرفتار یا در زمین آنها بازی کنیم. اینکه گفته می‌شود صهیونیست‌ها آمده‌اند جنوب و شمال ایران و… الان دنیای فناوری و ارتباطات به‌گونه‌ای است که اصلاً نیازی نیست کسی نزدیک ما یا در مرز ما باشد و این چندان تعیین‌کننده نیست. برای ورود ضربه اول مهم است. اما حیاتی نیست؛ زیرا ما هم به مقتضای نزدیک‌شدن آنها به ایران، به‌طور مستقیم به آنها نزدیک می‌شویم و نیروهای آنها در اطراف ایران آسیب‌پذیر می‌شوند و به‌طور مستقیم هم در نزدیکی و اطراف آنها رفته‌ایم. از سویی دیگر به‌جای تلخ‌شدن روابط بهتر است ما روابط مثبتی با همسایه‌هایمان داشته باشیم که دغدغه‌های امنیتی ما را متوجه باشند یا قدرت تأثیرگذاری داشته باشیم که اگر اقدامی علیه منافع ما از این طریق صورت می‌گیرد، ما هم قدرت پاسخ‌گویی داشته باشیم و بدون اینکه بخوایم قضیه به خشونت و تندى کشیده شویم، اقدامات بازدارنده انجام دهیم. من فکر می‌کنم این بستگی به سیاست خارجی ما دارد که چگونه می‌توانیم با اهرم‌های خودمان استفاده کنیم و سلسله اقدامات یا نوع روابطی را شکل دهیم که باعث بازدارندگی شود تا علیه منافع ما اقدامی صورت نگیرد. نه اینکه نوعی از روابط و اقدامات را داشته باشیم که باعث جری‌شدن کشورها شود و حتی آنها بترسند و پیشاپیش به سمت رژیم صهیونیستی بروند که جنبه‌ای از این را هم در بعضی موارد در مورد عادی‌سازی دیدیم.

کلاً روابط رژیم صهیونیستی با کشورهای منطقه از پیچیدگی‌های زیاد، چندوجهی و درخور توجهی برخوردار است. به‌رغم شناسایی‌نشدن این رژیم از سوی اکثریت کشورهای عربي منطقه، به نظر می‌رسد اقتصاد و فناوری اسرائیل در زمینه صنایع تسلیحاتی و مخصوصاً برطرف‌کردن سایه ترس از ایران برای کشورهای مذکور از جذابیت بالایی برخوردار است؛ به گونه‌ای‌که نبود روابط دیپلماتیک رسمی، به‌عنوان یک مانع، در دهه گذشته به تدریج در حال کم‌رنگ‌شدن بوده و الگوی جدیدی مبتنی بر «برقراری روابط بدون شناسایی رسمی» شکل گرفته است.

✦ **اسرائیل، به‌خصوص از زمان جنگ اخیر قره‌باغ رابطه خود را با جمهوری آذربایجان و ترکیه گسترش سبسیاری داده و حالا مدتی است جمهوری آذربایجان با ایران سر ناسازگاری گذاشته و ترکیه نیز با او همراهی می‌کند.** آیا ایران می‌تواند برای ایجاد موازنه قدرت در این منطقه سرداری دهد؟

در بحث جنگ قره‌باغ، ناسازگاری جمهوری آذربایجان با ما صرفاً به خاطر بحث حضور رژیم صهیونیستی در این کشور نبود. به هر صورت کشورها سلسله دغدغه‌هایی دارند که این دغدغه‌ها باعث نزدیکی و تشکیل بلوک‌ها می‌شود. در حقیقت مشکلاتی که از چند سال اخیر در ارتباط با جمهوری آذربایجان داشتیم، منجر به سلسله اقداماتی شد که نتوانستیم مسائل‌مان را بین خودمان حل کنیم؛ ضمن اینکه بحث ارمنستان و جمهوری آذربایجان و چگونگی توازن بین آنها بود. البته این بیشتر به حوزه قفقاز مربوط است و بیشتر دوستان کارشناس این حوزه باید نظر دهند. ولی من فکر می‌کنم مجموعه اتفاقاتی شکل گرفت و به تدریج در دهه گذشته سوزان جمهوری آذربایجان به سمت رژیم صهیونیستی و استفاده از تسلیحاتش در رویارویی با ارمنستان حرکت و تمایل پیدا کردند؛ چون به نوعی تلقی‌شان این بوده است که ما داریم از ارمنستان حمایت می‌کنیم و به‌طور غیرمستقیم ما را هم آگاهانه یا ناخواسته در این بازی وارد کردند. چگونگی ایجاد موازنه قدرت در این منطقه، بیشتر بحث کارشناسی مسائل قفقاز است که من فکر می‌کنم دوستان این بخش نظر بدهند بهتر از این است که من اظهارنظر کنم. اما احساس من این است که نتوانستیم با استفاده به‌موقع از ابزار و اهرم‌هایمان و با حفظ منافع ملی ایران، فاصله‌مان را از این دو همسایه که درگیری ارضی، مرزی و سرزمینی دارند، حفظ کنیم و این به کلیت متحرک و متحول‌نبودن سیاست خارجی ایران در این دوران برمی‌گردد و نه حضور رژیم صهیونیستی در جمهوری آذربایجان.

✦ **آیا اگر مذاکرات ایران و عربستان به نتیجه برسد و مصالحه‌ای شکل بگیرد، با توجه به اینکه عربستان در فرایند عادی‌سازی سیاسی همراه نشده، ممکن است ایران بتواند از تعامل با عربستان در صحنه تقابل با اسرائیل استفاده کند؟**

سعودی‌ها به این دلیل که مشکلاتی داشتند در فرایند عادی‌سازی شرکت نکردند، نه آنکه لزوماً با آن مخالف باشند. آنها خودشان را خادم حرمین شریفین و رهبر جهان اسلام می‌دانند. به چیزی هم که هنوز در جهان اسلام هضم نشده، سعودی‌ها نمی‌توانند وارد شوند.

سال نوزدهم • شماره ۴۱۶۴ • نشریه **شرق**

اگر وارد شوند، به نوعی کبان رهبری و اسلامی خودشان را از دست داده‌اند. ولی من معتقدم که سعودی‌ها چراغ سبز را به کشورهای مثل امارات یا بحرین یا حتی مراکش داده‌اند که وارد این حوزه شده‌اند و به سمت عادی‌سازی حرکت کرده‌اند.

مذاکرات ایران و عربستان به عقیده من، چندان شکل نمی‌گیرد. سعودی‌ها دغدغه‌ها و مشکلات خاص خودشان را دارند. جامعه سعودی جامعه ملت‌پهی است. سعودی‌ها مشکلات بین‌نسلی دارند، مشکلات دوران گذار دارند، مطالبات انباشته آقشاری دارند؛ یعنی جامعه بسیار سیال و ژله‌ای است و بنابراین بعید می‌دانم در حقیقت با ما به مصالحه برسند. بهترین حالت برای خود آنها دوران ترامپ بود که قدرت تخریبی‌شان را علیه ایران به کار گرفتند. الان هم فکر می‌کنم سعودی‌ها در مذاکراتی که یکی، دو مرحله در عراق صورت گرفت، ما را سرگرم کرده‌اند ولی به‌طور پنهانی قدرت تخریبی‌شان را علیه هر جرم فعال کرده‌اند؛ یعنی به عقیده من ائتلاف عربی-عربی را تا نتوانستند علیه برجام به کار بکنند، من بعید می‌دانم از تعامل با عربستان بتوانیم در صحنه تقابل با اسرائیل استفاده کنیم. به هر صورت سعودی‌ها در مدار غربی می‌چرخند و اهداف و منافع غربی را نمی‌توانند زیر پا بگذارند. حالا اگر نتوانستند با اسرائیلی‌ها به‌طور علنی وارد عادی‌سازی شوند، آن هم مشکلات دیگری دارد که توضیح دادم.

✦ **وضعیتی‌که فعلاً برجام دارد، چقدر نتیجه تلاش‌های لابی اسرائیلی است؟ در ادامه کار چقدر اسرائیلی می‌تواند مانع آفرینی کند و ایران چگونه می‌تواند اثر این تلاش‌ها را خنثی کند؟**

تأثیر تلاش‌های لابی عبری عربی یا لابی صهیونیستی بر برجام را نمی‌شود کتمان کرد. آنها تا بتوانند، چه با استفاده از قدرت نرم، چه قدرت سخت، چه تخریب، هر کاری که بتوانند علیه برجام بکنند، نه کوتاهی نمی‌کنند نه کسی می‌تواند جلوشان را بگیرد. به‌هرصورت اینها در یک مجموعه علیه ایران دارند کار می‌کنند. بنابراین، فکر نمی‌کنم ایران بتواند خیلی درباره این تلاش‌ها کاری کند، مگر اینکه از طریق اقداماتی‌که در درون انجام می‌دهد، از قبیل امن‌کردن سیستم‌ها و استفاده از قدرت نرم. البته راه‌های دیگری هم به‌طور غیرمستقیم وجود دارد که نیاز به مطالعات بیشتر دارد.

برای مثال ما باید در طراحی رویکردمان با این رژیم حداقل اصول

بنیادین سیاست خارجی رژیم صهیونیستی را مد نظر داشته باشیم و ببینیم چگونه می‌توانیم از آسیب‌پذیری‌ها و نقاط ضعف این رژیم استفاده کنیم؟ سیاست خارجی اسرائیل در اصول و بنیادهایی ریشه دارد که ایدئولوژی صهیونیسم حتی قبل از تأسیس اسرائیل در سال ۱۹۴۸ ر آنها تأکید داشته و پس از تأسیس، عناصر هفت‌گانه‌ای خطوط اصلی سیاست خارجی اسرائیل را شفاف‌تر بیان می‌کند:

۱- ایجاد و حفظ سرزمین یهودی با جمعیت یهودی مشخص؛

۲- توسعه اقتصادی پایدار؛

۳- برخورداری از حمایت‌های سیاسی قدرت‌های بزرگ؛

۴- ممانعت از وقوع شرایطی که یهودیان قادر به دفاع از خودشان نباشند، از طریق توانمندی نظامی و توسعه سلاح‌های هسته‌ای با هدف بازدارندگی؛

۵- تکامل سیاست دفاعی برای جبران عدم تقارن جغرافیایی و جمعیتی یهودیان در مقابل همسایگان و اعراب؛

۶- اطمینان از دسترسی به آب و سوخت کافی برای حفظ رفاه مردم و انسجام ملی؛

۷- تلاش برای سازش با همسایگان و نیز خنثی‌سازی تهدیدات امنیتی منطقه؛

یکی از ابعاد رویکرد ما نسبت به رژیم صهیونیستی غلظت و چگالی بالای تبلیغات نسبت به روش‌های عملیاتی است و اتفاقاً این همان نقطه‌ای است که سیاست‌مداران آن رژیم بدون آنکه آسیب زیاد و اساسی از سوی ایران ببینند، از این ویژگی رویکرد ایران بهره‌برداری سوء کرده و به‌خوبی برای اجماع‌سازی علیه ایران استفاده می‌کنند. توجه داشته باشیم فرق است بین «رسانه‌ای و تبلیغی» و «تبلیغی» آن. استراتژی یا رویکرد با «سیاست عملی» و «دیپلماسی واقعی» آن. یعنی ما ضمن وزن‌دهی مناسب به سیاست‌های تبلیغی و رسانه‌ای باید توجه کنیم رویکرد و رفتار ما به گونه‌ای نباشد که هزینه بی‌خود بپردازیم. یعنی ما باید تلاش کنیم بین شاخص‌های واقعی رویکرد ما به این رژیم و فعالیت تبلیغاتی ما هماهنگی مناسبی باشد. بنابراین ضروری نیست ما در زمینه تقابل با رژیم صهیونیستی به گونه‌ای عمل کنیم که بدون تحمیل اراده خود به این رژیم برای تغییر رفتارش، هزینه مستقیم و غیرمستقیم بپردازیم. زیرا اولاً به دلیل قدرت رسانه‌ای صهیونیست‌ها و حمایتش به تنهایی امکان مقابله با آن را نداریم و ثانیاً صهیونیست‌ها تلاش می‌کنند این «سیاست اعلامی» را همان «سیاست اعمالی» قلمداد کنند و برای ما هزینه‌تراشی کنند.

✦ **اخیراً یکی از مقامات اسرائیل از شنشستی امنیتی و مشترک و آینده نزدیک بین اسرائیل، روسیه و آمریکا خبر داده بود.** چنین شنشستی چه تبعاتی ممکن است برای ایران داشته باشد؟ با توجه به اینکه روسیه که نسبتاً نزدیک به ایران بوده است، الان دارد با اسرائیل و آمریکا چنین شنشستی را برقرار می‌کند و اتفاقاً در صحنه‌ای مثل برجام هم اخیراً روسیه موضع انتقادی نسبت به ایران گرفته است. آیا روسیه در آستانه فاصله‌گرفتن از ایران است؟

ساخت قدرت در رژیم صهیونیستی براساس روش‌های «کنترل و موازنه» شکل گرفته که بسته به میزان مقاومتی که در برابر روش‌ها و سیاست‌های این رژیم شکل می‌گیرد، نمود پیدا می‌کند. برای مثال این رژیم در مقابل فلسطینی‌ها و همسایگان از استراتژی چکش آهین استفاده می‌کند اما در برابر اقدامات ایران فقط به این استراتژی بسنده نکرد بلکه در کنار قدرت سخت از قدرت نرم تزویج و عکس‌العملی‌کردن ما نیز استفاده کرده تا ما را به دنبال خود بکشاند. از سوی دیگر رژیم صهیونیستی از نظام بین‌المللی حمایت می‌گیرد و الگو‌برداری می‌کند که این نظام به‌گونه‌ای نظریه‌پردازی و طراحی شده که نحوه بازتولید معادلات قدرت مبتنی بر آن‌رشی توجیه‌گر معادله قدرت در قابلیت‌های دین‌ساختاری است که ناگزیر به ایجاد «تعادل و اعاده موازنه قوا» بینجامد. سیاست ته‌اجمی قدرت‌های بزرگ نیز از دیگر واقعیات سیاست بین‌الملل است که این رژیم نیز بر اساس بعضی از هفت اصل سیاست خارجی‌اش همین راه را می‌رود و به گونه‌ای عمل می‌کند که خیلی هم پایبند توافقات و الزامات بین‌المللی مانند قطع‌نامه‌های سازمان ملل نبوده و هر موضوعی را براساس معادله قدرت، امنیت و تهدیدات جدید محیط بیرومنی خود می‌بیند و برای آن راه مقابله طراحی و اجرا می‌کند.

ادامه در صفحه۹